

مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز

دوره‌ی چهارم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، پیاپی ۶۲/۳، صفحه‌های ۸۱-۱۰۹
(مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی پیشین)

تاثیر تداوم انتخاب حسابرسان بر کیفیت حسابرسی

دکتر سید حسین سجادی* دکتر حسن فرازمند** صادق قربانی***
دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

هدف تحقیق، بررسی تاثیر تداوم انتخاب حسابرسان بر کیفیت حسابرسی است. به همین منظور، از دو معیار اقلام تعهدی جاری و اختیاری، برای نشان دادن کیفیت حسابرسی استفاده شده است. در این تحقیق، داده‌های مربوط به ۷۲ شرکت برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۸ به صورت ترکیبی و با استفاده از سیستم رگرسیون تلفیقی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان داد؛ تداوم انتخاب حسابرسان، تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد.

واژه‌های کلیدی: تداوم انتخاب حسابرسان، کیفیت حسابرسی، الزام تعویض ادواری
موسسه‌ی حسابرسی

۱. مقدمه

حسابرسان مستقل، به دلیل ارائه‌ی خدمات حسابرسی، نقش مهمی در جهت حفظ منافع عمومی در بازارهای سرمایه ایفا می‌کنند. گزارش‌های حسابرسی، یکی از مواردی

* دانشیار گروه حسابداری (نویسنده مسئول) email:sajadi@scu.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد

*** کارشناس ارشد حسابداری

است که به عنوان راهنمای سرمایه‌گذاران، در هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌شود و کیفیت پایین این گزارش‌ها، می‌تواند به تخصیص نامناسب منابع در جامعه منجر شود. ایفای نقش، به عنوان حافظ منافع جامعه، مستلزم این است که حسابرس در مقابل صاحب‌کار خود، مستقل باقی بماند. درحقیقت، کیفیت و اعتبار گزارش حسابرسی، به میزان استقلال حسابرس از صاحبکار خود بستگی دارد؛ اما، در عمل، نفوذ مدیریت شرکت مورد رسیدگی، بر مسائل مربوط به انتخاب و ارائه‌ی اطلاعات به حسابرس، به همراه انگیزه‌های بالای مدیریت برای دستیابی به اهداف تعیین شده یا عبور از آن‌ها، موانع مهمی بر سر راه مستقل باقی ماندن حسابرسان محسوب می‌شوند. (ونس ترائلن^۱، ۲۰۰۰)

ورشکستگی شرکت‌های بزرگ در ابتدای قرن حاضر، موجب شد تا موضوع قابلیت اتکای صورت‌های مالی، مورد توجه‌ی افکار عمومی واقع شود. با این که مسئولیت اصلی تهیه‌ی صورت‌های مالی دقیق و عاری از خطا و اشتباه به عهده‌ی هیات مدیره‌ی شرکت‌ها است؛ اما، این ورشکستگی‌ها، سوال‌های زیادی درباره‌ی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرسان به وجود آورد. قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در تلاش هستند تا از طریق وضع قوانین (برای مثال قانون ساربنز - اکسلی^۲، ۲۰۰۲) موثر بر استقلال حسابرسان، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. تداوم انتخاب حسابرس^۳، از موضوعاتی است که قانون‌گذاران توجه ویژه‌ای به آن نشان داده‌اند. به طور کلی، قانون‌گذاران و فعالان بازار سرمایه، علاقه‌مند به دانستن این موضوع هستند که آیا رابطه‌ی بلندمدت بین شرکت‌ها و حسابرسان آن‌ها می‌تواند باعث خدشه دار شدن استقلال حسابرس و کاهش کیفیت حسابرسی شود؟ (لاونسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۷)

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. دیدگاه‌های موجود درباره‌ی تداوم انتخاب حسابرس

اثر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی، از دو منظر قابل بررسی است. تداوم انتخاب حسابرس، موجب می‌شود تا حسابرس به مرور دانش خاص مشتری را کسب کند، این موضوع، باعث افزایش صلاحیت حرفه‌ای حسابرس و کیفیت حسابرسی می‌شود؛ اما از سوی دیگر، تداوم انتخاب حسابرس، موجب نزدیکی بیش از حد حسابرس به

مدیریت صاحب‌کار می‌شود که این موضوع ممکن است اثر منفی بر استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرِس داشته باشد. (کمران^۵ و همکاران، ۲۰۰۵)

یکی از راه‌حل‌های پیشنهاد شده، برای رفع مشکلات بالقوه ناشی از تداوم انتخاب حسابرِس، الزامی کردن تعویض ادواری موسسه‌های حسابرِس است. دیوان محاسبات آمریکا^۶، تعویض ادواری موسسه‌ی حسابرِس^۷ را اعمال محدودیت بر تعداد سال‌های متوالی که یک موسسه حسابرِس مستقل می‌تواند صورت‌های مالی یک شرکت خاص را حسابرِس کند، تعریف کرده است. در نهایت، می‌توان سوال اصلی درباره‌ی تعویض ادواری حسابرِس را این‌گونه مطرح کرد که آیا الزامی کردن تعویض ادواری حسابرِس، باعث افزایش کیفیت حسابرِس می‌شود؟ و اگر پاسخ این سوال مثبت است، این افزایش کیفیت با چه هزینه‌ای انجام می‌شود؟ (آرل^۸ و همکاران، ۲۰۰۵).

ماهیت کار حسابرِس به صورتی است که ارتباط روزانه‌ی حسابرِس با مدیریت شرکت مورد رسیدگی را ایجاد می‌کند. موافقان الزامی کردن تعویض ادواری حسابرِس معتقدند رابطه‌ی بلند مدت حسابرِس - صاحبکار ممکن است باعث نزدیکی بیش از حد حسابرِس با مدیریت صاحبکار شده و موجب به وجود آمدن یک رابطه‌ی صمیمانه بین این دو شود. این رابطه‌ی صمیمانه ممکن است به کوتاه آمدن حسابرِس در اختلاف نظرهای پیش آمده در حین کار حسابرِس یا حتی تبانی بین حسابرِس و مدیریت صاحبکار منجر شود. تجربه‌ی رابطه‌ی شرکت انرون^۹ و موسسه‌ی حسابرِس آرتور اندرسون^{۱۰} مثال خوبی برای نزدیکی بیش از حد حسابرِس به مدیریت است. حسابرسان موسسه‌ی حسابرِس آرتور اندرسون و مشاوران‌شان، یک دفتر ثابت در ساختمان مرکزی شرکت انرون داشتند. آنان مرتب و به صورت روزانه با مدیریت و کارکنان شرکت انرون در تماس بوده و حتی در فعالیت‌های تفریحی و خیریه، به صورت مشترک شرکت می‌کردند. در این شرایط، برای حسابرِس بسیار سخت خواهد بود که بتواند کار حسابرِس را به صورتی انجام دهد که سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای حفظ شده و به استقلال حسابرِس لطمه وارد نشود. از سوی دیگر، مدیریت هم در موارد اختلاف نظر با حسابرِس می‌تواند از طریق درخواست‌های دوستانه، امتیاز به دست بیاورد. (آرل و همکاران، ۲۰۰۵)

هم‌چنین، تداوم انتخاب حسابرسان، ممکن است کار حسابرسانی را برای حسابرسان به صورت یک کار یکنواخت و تکراری جلوه دهد. این موضوع، باعث کاهش صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان خواهد شد. شاکلی^{۱۱} (۱۹۸۲) معتقد است تداوم انتخاب حسابرسان می‌تواند باعث اعتماد به نفس بیش از حد، عدم نوآوری و کاهش به کارگیری روش‌های دقیق و موشکافانه در بین حسابرسان شود. هم‌چنین، او معتقد است که مدیریت و کارکنان صاحب‌کار، در اثر تعامل طولانی مدت با حسابرسان، با خصوصیات شخصی و کاری حسابرسان آشنا شده و می‌توانند با استفاده از این آشنایی، دست به تخلف بزنند.

آرل و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسان در بازگشت به کار قبلی، برای اموری مانند برنامه ریزی حسابرسانی، بودجه بندی و تهیه‌ی اطلاعات مورد نیاز برای حسابرسانی سال جاری، اغلب اوقات به کاربرگ‌های سال گذشته تکیه می‌کنند. این تکیه بیش از حد به مدارک سال گذشته و پیش بینی نتایج، به جای توجه به تغییرات کوچک اما مهم، ممکن است باعث عدم دست‌یابی به اهداف حسابرسانی شود.

تمایل به داشتن درآمد سالانه‌ی بلند مدت از محل حق الزحمه‌ی حسابرسانی، ممکن است باعث شود تا حسابرسان برای ابقا در سمت خود، رضایت‌مندی صاحب‌کار را به عنوان یکی از عوامل موثر بر تصمیم‌گیری‌های خود در نظر بگیرد. موافقان الزام تعویض ادواری حسابرسان، معتقدند در صورت عدم وجود محدودیت برای تداوم انتخاب حسابرسان، ممکن است حسابرسان برای حفظ سرمایه‌گذاری انجام شده، برای کسب دانش خاص مشتری که به تدریج و طی یک همکاری چند ساله با صاحب‌کار به دست می‌آید، برای ابقای مجدد خود تلاش کنند و از این جهت ممکن است دارای انگیزه‌های اقتصادی برای عدم افشای تخلف‌ها و اشتباه‌های اساسی باشند. (آرل و همکاران، ۲۰۰۵)

در مقابل، مخالفان تعویض ادواری حسابرسان، معتقدند آشنایی حسابرسان با شرکت مورد رسیدگی باعث می‌شود تا وی درک بهتری از موضوعات و تغییرات ایجاد شده داشته باشد. پیچیدگی‌های زیادی که در قرن اخیر در محیط کسب و کار پدید آمده است، موجب شده که حسابرسان نتوانند در مدت زمان کوتاه، با فعالیت‌های شرکت مورد رسیدگی آشنایی کامل پیدا کنند. در حالی که حسابرسان مسئول کار، از اثر منحنی یادگیری خود، می‌توانند برای

کشف اشتباهات و تخلفات اساسی استفاده کند، حسابرس جدید ممکن است به دلیل عدم شناخت کافی از شرکت صاحب‌کار، مجبور باشد بیش‌تر به اظهارات و برآوردهای مدیریت تکیه کند؛ بنابراین، این موضوع موجب افزایش ریسک حسابرسی می‌شود. (آرل و همکاران، ۲۰۰۵)

از سوی دیگر، مخالفان الزامی کردن تعویض ادواری حسابرس معتقدند حتی اگر بپذیریم که نزدیکی بیش از حد به مدیریت یک مشکل باشد، نمی‌توان تعویض ادواری حسابرس را راه حل این مشکل دانست. تعامل روزانه ی حسابرسان با مدیریت در زمان انجام کار حسابرسی، موجب ایجاد رابطه‌ی نزدیک بین آنان می‌شود. در واقع، صاحب‌کار باید در مقابل حسابرس خود احساس راحتی کند تا در مواقع بروز مشکل، تمایل داشته باشد تا اطلاعات را در اختیار حسابرس گذاشته و برای حل مشکل با وی به بحث و گفتگو بنشیند. از سوی دیگر، حسابرس باید بتواند تشخیص دهد در چه مواقعی مدیریت در حال پنهان‌کاری است، و این توانایی جز با شناخت دقیق حسابرسان از مدیریت به دست نمی‌آید. این شناخت دقیق، تنها در طول یک دوره‌ی همکاری بلند مدت حاصل می‌شود. در حقیقت، اگر حسابرسان بتوانند در طول فرآیند حسابرسی، سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای را حفظ کنند و در قبال صورت‌های مالی صاحب‌کار، اظهار نظر قابل اتکا ارائه کنند، آن‌گاه می‌توان گفت که رابطه‌ی نزدیک حسابرس و مدیریت دیگر یک مشکل به حساب نمی‌آید. (آرل و همکاران، ۲۰۰۵)

الزام تعویض ادواری حسابرس، موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی خواهد شد. آراندا^{۱۲} و پاز آرس^{۱۳} (۱۹۹۷) بر این عقیده هستند که در سال اول رسیدگی حسابرس باید بر اساس استانداردهای حسابرسی فعالیت‌هایی مانند آشنایی با سیستم حسابداری صاحب‌کار، آشنایی با روش‌های حسابداری مورد استفاده‌ی شرکت، مروری بر حساب‌های بدون تغییر در چند سال گذشته، نظارت بر موجودی‌ها، مروری بر وضعیت مالیاتی شرکت مورد رسیدگی و تشکیل یک پرونده‌ی دائمی حسابرسی انجام دهند. این فعالیت‌ها موجب افزایش هزینه‌های حسابرسی می‌شود. سینت^{۱۴} (۲۰۰۴) به این نکته اشاره می‌کند که همه‌ی موسسه‌های حسابرسی مستقل بزرگ بر این عقیده هستند؛ هزینه‌های حسابرسی سال اول

پس از تعویض ادواری موسسه‌ی حسابداری، بیش‌تر از ۲۰ درصد هزینه‌ی حسابداری در سال‌های بعدی تداوم انتخاب حسابرس خواهد بود.

از دیدگاه شرکت مورد رسیدگی، تعویض حسابرس مستلزم قبول هزینه‌های بالایی است. آراندا و پاز آرس (۱۹۹۷) نه تنها فرایند انتخاب حسابرس جدید، به توافق رسیدن و بستن قرارداد با وی را یک فرآیند زمانبر و هزینه‌بر می‌دانند، بلکه به این نکته اشاره می‌کنند که مدیریت شرکت صاحب‌کار، باید زمان زیادی از وقت خود و کارکنانش را در جهت آشنایی حسابرس جدید با موضوعاتی مانند نوع عملیات، وضعیت مالیاتی، سیستم کنترل‌های داخلی و ساختار سازمانی شرکت صرف کند. از سوی دیگر، باید توجه داشت زمانی که هزینه‌های حسابداری برای موسسه‌ی حسابداری افزایش می‌یابد، به طور معمول موسسه‌های حسابداری با افزایش نرخ خدمات خود تلاش می‌کنند که این هزینه‌ها را به شرکت‌های مورد رسیدگی منتقل کنند.

در ضمن، مخالفان الزام تعویض ادواری حسابرس، استدلال می‌کنند که این الزام موجب کاهش تمایل حسابرس برای حفظ صاحب‌کار نخواهد شد. در هر صورت، حسابرسان با این خطر مواجه هستند که در صورت ارائه‌ی یک گزارش خلاف نظر صاحب‌کار، زودتر از موعد مقرر تعویض شوند؛ بنابراین، حسابرسان تمایل آگاهانه یا ناخودآگاه برای گزارشگری طبق میل صاحب‌کار و حفظ مشتری در طول دوره‌ی حسابداری دارند، که این تمایل ممکن است بر فرایند حسابداری تأثیر بگذارد. (آرل و همکاران، ۲۰۰۵)

در اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، شرکت‌ها انگیزه‌ی زیادی برای سرمایه‌گذاری دارند، زیرا اگر شرکت‌ها قادر به افزایش مشتریان خود باشند، آن‌گاه این سرمایه‌گذاری‌ها به سودآوری خواهد رسید. الزام تعویض ادواری حسابرس، موجب می‌شود تا موسسه‌های حسابداری پس از اتمام یک دوره‌ی مشخص، مجبور به از دست دادن یک مشتری باشند و تا چند سال بعد، قادر به ارائه‌ی خدمات به این مشتری نباشند. در حقیقت، الزام تعویض ادواری حسابرس باعث می‌شود تا موسسه‌های با کارایی بالاتر نتوانند پاداش بهتر بودن خود را دریافت کنند؛ زیرا، این قوانین به تدریج موجب کاهش تقاضا برای خدمات آن‌ها

خواهد شد. در مقابل، موسسه‌های حسابرسی با کارایی کم‌تر نه تنها ضرر و زیانی متحمل نمی‌شوند، بلکه حتی ممکن است با افزایش مشتری مواجه شوند. به این ترتیب می‌توان گفت در یک نظام مبتنی بر الزام تعویض ادواری حسابرس، انگیزه‌ها برای بهبود کارایی کاهش می‌یابد. در این شرایط، قوانین باعث کاهش انگیزه‌ی این موسسه‌ها برای رقابت شده و با ایجاد مانع بر سر راه رقابت بین موسسه‌های حسابرسی به طور غیرمستقیم باعث کاهش کارایی حسابرسی می‌شود. (آراندا و پاز آرس، ۱۹۹۷)

از سوی دیگر، لی^{۱۵} (۲۰۰۷) معتقد است شاید اگر گفته شود که این دو متغیر بر یکدیگر اثر خنثی کننده دارند، بهترین گزینه انتخاب شده باشد. زیرا آثار مثبت و منفی رابطه‌ی بلندمدت حسابرس و صاحبکار، از قبیل کسب تخصص درباره‌ی یک صاحبکار خاص یا کاهش استقلال بر اثر نزدیکی بیش از حد حسابرس و صاحبکار، می‌توانند باعث خنثی شدن اثر یکدیگر شوند. البته باید در نظر داشت که عواملی مانند ریسک دعاوی حقوقی و محافظت از حسن شهرت، ممکن است باعث بی‌طرفی حسابرس در هنگام حسابرسی شود.

۲-۲. کیفیت حسابرسی

دی آنجلو^{۱۶} (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف و گزارش یک تخلف در سیستم حسابداری صاحبکار تعریف کرده است. تعاریف زیادی از کیفیت حسابرسی وجود دارد که اگر چه متفاوت هستند، اما از یک ساختار مشابه پیروی می‌کنند. برای مثال، والاس^{۱۷} (۱۹۸۰) کیفیت حسابرسی را کاهش ناخالصی‌ها و بهبود درجه‌ی خلوص داده‌های حسابداری می‌داند. لی^{۱۸} و همکاران (۱۹۹۹) کیفیت حسابرسی را احتمال عدم انتشار گزارش مقبول، برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات اساسی تعریف می‌کند. تیمان^{۱۹} و ترومن^{۲۰} (۱۹۸۶) و بیٹی^{۲۱} (۱۹۸۹) کیفیت حسابرسی را به عنوان صحت اطلاعات گزارش شده به وسیله‌ی حسابرس تعریف می‌کنند. بیانیه‌ی مفاهیم اساسی حسابرسی^{۲۲} که توسط انجمن حسابداری آمریکا^{۲۳} در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس، در اجرای کنترل بر کیفیت اطلاعات

تهیه شده به وسیله‌ی اطمینان از رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری، تعریف کرده است. در مجموع، می‌توان تعریف دی آنجلو را کامل‌ترین تعریف از کیفیت حسابرسی دانست. در این تعریف، کیفیت حسابرسی شامل توانایی حسابرس در کشف تخلف (صلاحیت حرفه‌ای حسابرس^{۲۴}) و تمایل حسابرس برای گزارش این تخلف (استقلال حسابرس) می‌شود.

نکته‌ی مهم در تعریف دی آنجلو "استنباط بازار" است؛ یعنی، در این تعریف، کیفیت حسابرسی منوط به استنباط بازار از توانایی حسابرس برای انجام وظیفه‌ی خود و میزان استقلال وی است. لی (۲۰۰۷) معتقد است اگرچه استقلال و صلاحیت حرفه‌ای ظاهری حسابرس ممکن است رابطه‌ی مستقیمی با استقلال و صلاحیت حرفه‌ای واقعی حسابرس داشته باشند؛ اما لزوماً یکسان نیستند. وی برای تمایز قائل شدن بین این دو مفهوم، به ترتیب از دو واژه‌ی حسن شهرت حسابرس^{۲۵} و توان نظارتی حسابرس^{۲۶} استفاده کرد.

حسن شهرت حسابرس، به استنباط کاربران از توان نظارتی حسابرس اشاره دارد و شامل صلاحیت حرفه‌ای ظاهری^{۲۷} و استقلال ظاهری حسابرس^{۲۸} می‌شود، که هر دو منعکس‌کننده‌ی عقیده‌ی کاربران گزارش‌های مالی، درباره‌ی اعتبار اطلاعات است.

توان نظارتی حسابرس، نمایانگر توانایی واقعی حسابرس برای ارائه‌ی گزارش‌های بی‌طرفانه و بر مبنای حقیقت است. دو جزء صلاحیت حرفه‌ای در عمل^{۲۹} و استقلال واقعی حسابرس^{۳۰}، تعیین‌کننده‌ی تاثیر توان نظارتی یک حسابرس هستند.

برخلاف بسیاری از کالاها و خدمات، ارزیابی مستقیم کیفیت واقعی صورت‌های مالی حسابرسی شده و هم‌چنین ارزیابی کیفیت واقعی حسابرسی، بسیار مشکل است. به همین دلیل، پژوهشگران تلاش می‌کنند تا از معیارهای جایگزین، برای اندازه‌گیری کیفیت واقعی حسابرسی استفاده کنند. مطالعات اولیه‌ی انجام شده، در زمینه‌ی رابطه‌ی تداوم انتخاب حسابرس و کیفیت حسابرسی اغلب با استفاده از معیارهایی مانند قصورهای حسابرس، تقلب‌های رخ داده، دعاوی حقوقی علیه‌ی حسابرس، احتمال تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی، عدم ارائه‌ی گزارش‌های تداوم فعالیت و نوع اظهارنظر حسابرس صورت گرفته است. (لی، ۲۰۰۷)

دیویس^{۳۱} و همکاران (۲۰۰۹) استفاده از این گونه معیارها برای کیفیت حسابرسی را دارای نقاط قوت و ضعف می‌دانند. نقطه‌ی قوت این معیارها این است که معیاری شفاف و غیرمبهم از کیفیت حسابرسی ارائه می‌کنند. اما، نقطه‌ی ضعف این معیارها، غیرقابل تعمیم بودن آن‌ها است. در حقیقت نبود این عوامل را نمی‌توان به عنوان کیفیت بالای حسابرسی فرض کرد. برای مثال، عدم ارائه‌ی گزارش تداوم فعالیت برای سال قبل از ورشکستگی و دعاوی حقوقی علیه‌ی حسابرس، رویدادهایی غیرعادی و غیرمعمول هستند که نشان دهنده‌ی کاهش قابل توجه در کیفیت حسابرسی، نسبت به سال قبل از خود هستند. در حالی که این رویدادها، نتیجه‌ی کاهش تدریجی کیفیت حسابرسی، در طول چندین سال است که نتیجه‌ی آن در سال مورد نظر روی داده و این معیارها قادر به نشان دادن این کاهش تدریجی نیستند. با توجه به همین نقاط ضعف است که کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا در بیانیه‌ی بازنگری بر الزام‌های مربوط به استقلال حسابرسان^{۳۲} (۲۰۰۱) نتایج حاصل از تحقیق‌هایی که قصور حسابرس را به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده‌اند، متقاعدکننده ندانسته و منتظر تحقیق‌هایی می‌ماند که معیارهای دقیق تری را برای نشان دادن به خطر افتادن استقلال حسابرس، انتخاب می‌کنند. همین انتقادات بود که باعث شد محققان، به استفاده‌ی از معیارهای جدیدی روی آورند که اقلام تعهدی اختیاری از مهم‌ترین آن‌ها بود.

مایانگساری^{۳۳} (۲۰۰۷) معتقد است زمانی کیفیت حسابرسی بالا است که حسابرسان، انتخاب‌های غیرمعقول مدیریت از میان روش‌های حسابداری را محدود کرده و مانع از ارائه‌ی نادرست وضعیت مالی شرکت شوند؛ اما، زمانی که کیفیت حسابرسی پایین است، حسابرس نه تنها محدودیتی برای مدیر ایجاد نمی‌کند، بلکه حتی ممکن است به وی برای استفاده از راه‌های گریز موجود در اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری مشاوره داده و مدیر را در ارائه‌ی نادرست وضعیت مالی شرکت یاری کند. یک توافق عمومی در مورد این موضوع وجود دارد که اقلام تعهدی حسابداری، نشان دهنده‌ی تصمیم‌های مدیریت درباره‌ی ارائه‌ی وضعیت و عملکرد مالی شرکت است. از این منظر، شاید بتوان کیفیت حسابرسی را کاهش تصمیم‌های گزارشگری نامعقول مدیریت تعریف کرد و اقلام تعهدی

اختیاری را نشان دهنده‌ی میزان این تصمیم‌های غیرمعقول مدیریت در ارائه‌ی صورت‌های مالی دانست.

فرانسیس^{۳۴} و کریشنان^{۳۵} (۱۹۹۹) اقلام تعهدی اختیاری را منعکس کننده‌ی اختیارات و برآوردهای مدیریت دانسته و رسیدگی به آن‌ها را کار بسیار مشکلی می‌دانند. بنابراین، نتیجه می‌گیرند هرچه میزان اقلام تعهدی اختیاری بیش‌تر باشد، احتمال وجود اشتباهات و تخلفات اساسی در صورت‌های مالی حسابرسی شده، افزایش می‌یابد. به همین دلیل، کم‌تر بودن میزان اقلام تعهدی در صورت‌های مالی را نشان دهنده‌ی محافظه‌کار تر بودن حسابرس دانسته، و این محافظه‌کار تر بودن را نشان دهنده‌ی کیفیت بالاتر حسابرسی دانسته‌اند. میرز^{۳۶} و همکاران (۲۰۰۳) کیفیت بالای حسابرسی را محدود کردن تصمیم‌های گزارشگری غیرمتعارف مدیریت دانسته‌اند و معتقدند که برای نشان دادن این تصمیم‌های غیرمتعارف، می‌توان از اقلام تعهدی اختیاری استفاده کرد.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

۳-۱. پژوهش‌های خارجی

پژوهش‌های زیادی، رابطه‌ی بین تداوم انتخاب حسابرس و کیفیت حسابرسی را بررسی کرده‌اند. نتایج برخی از این پژوهش‌ها به شرح زیر است:

دیس^{۳۷} و جیروکس^{۳۸} (۱۹۹۲)، لاورس^{۳۹} (۱۹۹۸) و ونس ترائلن (۲۰۰۰) نتیجه‌گیری کردند که تداوم انتخاب حسابرس موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

نتایج تحقیق‌های والکر^{۴۰} و همکاران (۲۰۰۱) و جیجر^{۴۱} و راگاناندان^{۴۲} (۲۰۰۲) نشان داد تداوم انتخاب حسابرس باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

کاسترلا^{۴۳} و همکاران (۲۰۰۲) نتیجه‌گیری کردند که تداوم انتخاب حسابرس موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

نتایج تحقیق جانسون^{۴۴} و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر این بود که رابطه‌ی کوتاه مدت حسابرس - صاحب‌کار، موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شده و الزامی شدن تعویض ادواری حسابرس، موجب بهبود کیفیت حسابرسی نخواهد شد.

دیویس و سو^{۴۵} (۲۰۰۲) متوجهی رابطه‌ی مثبت بین تداوم انتخاب حسابرس و میزان ارقام تعهدی اختیاری و رابطه‌ی منفی بین تداوم انتخاب حسابرس و خطا در سود پیش‌بینی شده توسط تحلیل‌گران شدند. این نتایج نشان می‌دهد بر اثر تداوم انتخاب حسابرس، کیفیت حسابرسی کاهش یافته و مدیریت انعطاف‌پذیری بیش‌تری از سوی حسابرس، برای گزارش‌گری کسب می‌کند و قادر خواهد بود به سود پیش‌بینی شده دست یابد.

میرز و همکاران (۲۰۰۳) با استفاده از دو معیار ارقام تعهدی جاری و ارقام تعهدی اختیاری برای کیفیت حسابرسی، دریافتند تداوم انتخاب حسابرس با کیفیت بالاتر حسابرسی رابطه‌ی مستقیم دارد.

نتایج تحقیق چانگ^{۴۶} (۲۰۰۴) نشان داد تعویض ادواری حسابرس باعث افزایش کیفیت حسابرسی و کیفیت سود می‌شود.

نتایج تحقیق چن^{۴۷} و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد بین تداوم انتخاب موسسه‌ی حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

ناگی^{۴۸} (۲۰۰۵) دریافت در شرکت‌های کوچکی که پس از ورشکستگی موسسه‌ی حسابرسی آرتور اندرسون، مجبور به تغییر حسابرس خود به موسسه‌ی حسابرسی مستقل دیگری شده‌اند، تعویض حسابرس، تأثیری بر کیفیت حسابرسی نداشته است.

چی^{۴۹} و هوانگ^{۵۰} (۲۰۰۵) رابطه‌ی بین تداوم انتخاب موسسه‌ی حسابرسی، تداوم انتخاب شریک مسئول کار و ارقام تعهدی اختیاری را با استفاده از داده‌های مربوط به شرکت‌های تایوانی بررسی کردند. نتایج تحقیق نام‌برده، نشان داد که در سال‌های ابتدایی رابطه‌ی حسابرس - صاحب‌کار بین تداوم انتخاب موسسه‌ی حسابرسی یا شریک مسئول کار حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری رابطه‌ی معکوس وجود دارد و تداوم انتخاب حسابرس در این سال‌ها موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. اما پس از سال پنجم، رابطه‌ی حسابرس - صاحب‌کار، رابطه‌ی بین تداوم انتخاب موسسه‌ی حسابرسی یا شریک مسئول کار حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری به یک رابطه‌ی مستقیم تبدیل می‌شود و تداوم انتخاب حسابرس در این دوره موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

کری^{۵۱} و سیمنت^{۵۲} (۲۰۰۶) دریافتند کیفیت حسابرسی، هنگام تداوم انتخاب شریک

مسئول کار، کاهش می‌یابد.

مایانگساری (۲۰۰۷) دریافت که الزام تعویض ادواری حسابرس بر کیفیت سود، اثر منفی دارد و موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

نکل^{۵۳} و ونس ترانلن (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند تداوم انتخاب حسابرس، موجب کاهش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

نتایج تحقیق‌های گونی^{۵۴} و همکاران (۲۰۰۷) و کمران و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد؛ تداوم انتخاب حسابرس، باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

جکسون^{۵۵} و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که تداوم انتخاب حسابرس، تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد. با در نظر گرفتن این نتایج و مزایای کم، الزام تعویض ادواری حسابرس و هزینه‌های بالایی که این الزام بر بازار سرمایه تحمیل می‌کند، آنان به این نتیجه رسیدند که الزام تعویض حسابرس، برای بازار سودمند نیست.

میترا^{۵۶} و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند هرچه رابطه‌ی حسابرس - صاحبکار طولانی‌تر شود، احتمال مدیریت سود در شرکت مورد رسیدگی کم‌تر خواهد شد.

فیرچیلد^{۵۷} و همکاران (۲۰۰۹) نتیجه‌گیری کردند که تداوم انتخاب حسابرس، موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود.

البته، نتایج مطالعه‌ی دیویس و همکاران (۲۰۰۹) در این میان جالب توجه به نظر می‌رسد. آنان شواهدی به دست آوردند که نشان می‌دهد سود پیش بینی شده، برای شرکت‌های با تداوم انتخاب کم حسابرس (۳ سال یا کم‌تر) و شرکت‌های با تداوم انتخاب زیاد حسابرس (۱۵ سال یا بیش‌تر) به‌طور معمول با خطای کم‌تری همراه است و این شرکت‌ها اغلب با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به سود پیش بینی شده یا حتی بیش از آن دست می‌یابند. این نتایج نشان می‌دهد؛ همان‌طور که ممکن است کیفیت حسابرسی با طولانی شدن تداوم انتخاب حسابرس کاهش پیدا کند، این احتمال، وجود دارد که کیفیت حسابرسی، در سال‌های اولیه رابطه‌ی حسابرس - صاحبکار، آسیب ببیند.

۲-۳. پژوهش‌های داخلی

کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) دریافتند بین تداوم انتخاب حسابرس و محافظه‌کاری،

رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد.

حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) در تحقیق خود فرض را این نهادند که افزایش تداوم انتخاب حسابرس، موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. کرمی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین تداوم انتخاب حسابرس و مدیریت سود (در جهت کم‌تر نشان دادن سود) رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. بزرگ اصل و شایسته‌مند (۱۳۹۰) دریافتند با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، احتمال مدیریت سود، چه در جهت کاهش و چه در جهت افزایش، بیش‌تر می‌شود.

۴. روش تحقیق

۴-۱. نوع تحقیق

این تحقیق، از دیدگاه تقسیم‌بندی بر مبنای هدف، تحقیقی کاربردی است؛ زیرا هدف تحقیق‌های کاربردی، توسعه‌ی دانش کاربردی در یک زمینه‌ی خاص است. به عبارت دیگر، تحقیق‌های کاربردی، به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می‌شوند. از سوی دیگر، بر اساس چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، تحقیق حاضر از نوع تحقیق‌های توصیفی است. اجرای تحقیق‌های توصیفی می‌تواند تنها برای شناخت بیش‌تر شرایط موجود و یا به منظور یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. با توجه به این‌که هدف تحقیق، رسیدن به این پاسخ است که آیا متغیر تداوم انتخاب حسابرس با متغیر وابسته (کیفیت حسابرسی) رابطه دارد یا خیر، از این رو، از میان دسته‌بندی‌های مختلف تحقیق‌های توصیفی، تحقیق حاضر از نوع همبستگی است.

۴-۲. روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری اطلاعات مبانی نظری تحقیق، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز آزمون فرضیه‌ی تحقیق، از سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار^{۵۸} استخراج شده است. سپس، به منظور انجام محاسبات و فرآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق و هم‌چنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم افزارهای Excel و Eviews استفاده شده است.

۳-۴. جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌ی این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۲ تا پایان سال ۱۳۸۸ بوده است که در طی این دوره، عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه‌ی آماری با استفاده از شاخص‌های زیر تعدیل شده است:

- ۱- جزء صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.
- ۲- حسابرسی شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی انجام نشده باشد (با توجه به تفاوت اساسی موجود بین ماهیت و اندازه‌ی سازمان حسابرسی و سایر موسسه‌های حسابرسی).
- ۳- دوره‌ی مالی شرکت‌ها، منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ۴- نوع اظهار نظر حسابرس نسبت به صورت‌های مالی، مردود یا عدم اظهار نظر نباشد.
- ۵- اطلاعات مورد نیاز تحقیق از شرکت‌ها در دسترس باشد.

در سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار، داده‌های مربوط به ۴۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود است. از این تعداد، ۲۶۸ شرکت در دوره‌ی ۷ ساله‌ی بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸، عضو بورس اوراق بهادار بوده‌اند. نظر به این که ۳۱ شرکت عضو صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه بودند، ۹۰ شرکت، حسابرسی آن‌ها در دوره‌ی تحقیق توسط سازمان حسابرسی انجام شده است، ۳۹ شرکت دارای عدم تطابق پایان دوره‌ی مالی با پایان اسفند ماه، ۳ شرکت دارای گزارش حسابرسی مردود یا عدم اظهار نظر، و ۳۳ شرکت، دارای مشکل عدم وجود اطلاعات کافی درباره‌ی تداوم انتخاب حسابرس بوده‌اند، شرکت‌های مذکور از جامعه‌ی آماری تحقیق حذف شدند. بر این اساس ۷۲ شرکت شرایط حضور در جامعه‌ی آماری را دارند و در نظر گرفته می‌شوند.

به منظور گردآوری اطلاعات تداوم انتخاب حسابرس، از گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها استفاده شده است. با توجه به در دسترس بودن این گزارش‌ها از سال ۱۳۷۶، این

سال، به عنوان سال پایه انتخاب شده است.

۴-۴. روش داده‌های ترکیبی

در این تحقیق، با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از الگوی اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی^{۵۹}، برای برآورد پارامترهای الگو و بررسی آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. زیرا، ارزش کمی متغیرهای مستقل و وابسته از یک سو، مربوط به صنایع و شرکت‌های مختلف بوده و از سوی دیگر، دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۸ را در بر می‌گیرد. در چنین حالتی برای حصول نتایج منطقی، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در اقتصادسنجی پایه، در استفاده از روش سری زمانی^{۶۰} و روش برش مقطعی^{۶۱}، متغیرها و ارتباط آن‌ها به ترتیب در طول زمان و یا در میان مقاطع (کشور، شرکت یا افراد) بررسی می‌شود. اما، در مدل‌های داده‌های ترکیبی، ارزش متغیرها در مقاطع و در طول زمان اندازه‌گیری می‌شود. (اشرف‌زاده و مهرگان، ۱۳۸۷)

استفاده از روش داده‌های مقطعی و یا سری زمانی ممکن است با مشکلات عدم کارایی و ناسازگاری تخمین مدل‌ها همراه باشد، در حالی‌که در تخمین مدل‌ها به روش داده‌های ترکیبی و با استفاده از روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت^{۶۲}، مدل اثر تصادفی^{۶۳} و مدل داده‌های یکپارچه شده^{۶۴} این مشکل وجود نخواهد داشت. برای تعیین نوع مدل مورد استفاده در داده‌های ترکیبی، از آزمون‌های مختلفی استفاده می‌شود. آزمون چاو^{۶۵} برای به-کارگیری مدل تلفیق شده در برابر مدل اثر ثابت و آزمون هاسمن^{۶۶}، برای تعیین استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل مدل اثر تصادفی انجام می‌شود.

۵. فرضیه، تصریح مدل و نتایج کمی برآورد آن

با توجه به مباحث پیش گفته، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر هستند:

فرضیه‌ی ۱: بین تداوم انتخاب حسابرسان و ارقام تعهدی جاری، رابطه‌ی معناداری

وجود دارد.

برای بررسی رابطه‌ی نام‌برده، مدل پیشنهادی میرز و همکاران (۲۰۰۳) به صورت زیر

استفاده شده است:

$$CACC_{i,t} = \alpha + \beta_1 Tenure_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Age_{i,t} + \beta_4 SCFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه ۲: بین تداوم انتخاب حسابرس و ارقام تعهدی اختیاری، رابطه‌ی معناداری

وجود دارد.

برای بررسی رابطه‌ی نام‌برده، مدل پیشنهادی میرز و همکاران (۲۰۰۳) به صورت زیر

استفاده شده است:

$$DA_{i,t} = \alpha + \beta_1 Tenure_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Age_{i,t} + \beta_4 SCFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در این مدل‌ها؛ $CACC_{i,t}$ ارقام تعهدی جاری شرکت i در دوره‌ی t ؛ $DA_{i,t}$ ارقام

تعهدی اختیاری شرکت i در دوره‌ی t ؛ $Tenure_{i,t}$ تداوم انتخاب حسابرس شرکت i در

دوره‌ی t ؛ $Size_{i,t}$ اندازه‌ی شرکت i در دوره‌ی t ؛ $Age_{i,t}$ عمر شرکت i در دوره‌ی t ؛

$SCFO_{i,t}$ جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در دوره‌ی t ؛ و $\varepsilon_{i,t}$ جمله خطا برای شرکت

i در دوره‌ی t تعریف شده است. اهمیت این مدل، از این رو است که از سه متغیر مهم

اندازه، عمر و جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت، به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده

است.

میرز و همکاران (۲۰۰۳)، برای محاسبه‌ی کیفیت حسابرسی، دو معیار ارقام تعهدی

جاری و ارقام تعهدی اختیاری را پیشنهاد کرده‌اند. به این ترتیب که هر چه میزان ارقام

تعهدی جاری و اختیاری در صورت‌های مالی حسابرسی شده یک شرکت بیش‌تر باشد،

حسابرسی آن شرکت، از کیفیت پایین‌تری برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر، هر چه

میزان ارقام تعهدی جاری و اختیاری در صورت‌های مالی حسابرسی شده کم‌تر باشد،

کیفیت حسابرسی بالاتر خواهد بود. بر این اساس، ارقام تعهدی جاری از طریق مدل زیر

محاسبه و اندازه‌گیری شده است:

$$CACC_{i,t} = ((\Delta CA_{i,t} - \Delta CASH_{i,t}) - (\Delta CL_{i,t} - \Delta STD_{i,t}))$$

در معادله‌ی بالا، $\Delta CA_{i,t}$ تغییر در دارایی‌های جاری در سال t برای شرکت i ؛

$\Delta CASH_{i,t}$ تغییر در وجه نقد در سال t برای شرکت i ؛ $\Delta CL_{i,t}$ تغییر در بدهی جاری در

سال t برای شرکت i ؛ و $\Delta STD_{i,t}$: تغییر در اسناد پرداختنی کوتاه مدت و حصه جاری

بدهی‌های بلند مدت در سال t برای شرکت i تعریف شده است. در این مدل، تمامی متغیرها بر جمع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ تقسیم می‌شود. در حالی که میرز و همکاران (۲۰۰۳) برای محاسبه‌ی ارقام تعهدی اختیاری، مدل زیر را پیشنهاد داده‌اند:

$$DA_{i,t} = \text{Accruals}_{i,t} - \beta_0 + \beta_1 \Delta \text{Revenue}_{i,t} + \beta_2 \text{PPE}_{i,t}$$

در معادله‌ی نام‌برده، $\text{Accruals}_{i,t}$ سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی حاصل از عملیات در سال t برای شرکت i ؛ $\Delta \text{Revenue}_{i,t}$ تغییر در درآمد سالانه در سال t برای شرکت i ؛ $\text{PPE}_{i,t}$ اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات همان سال (دارایی‌های ثابت هر سال پس از کسر استهلاک انباشته) در سال t برای شرکت i ؛ و β_0 ، β_1 ، β_2 ضرایب مدل هستند که از روش تخمین حداقل مربعات به دست می‌آیند. در این مدل، تمامی متغیرها بر جمع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ تقسیم شده است.

در این تحقیق، برای اندازه‌گیری تداوم انتخاب حسابرِس، از تعداد سال‌های متوالی که یک حسابرِس مسئولیت حسابرِسی یک شرکت را برعهده می‌گیرد، استفاده شده است. (میرز و همکاران، ۲۰۰۳)

نظر به این‌که بررسی رابطه‌ی بین تداوم انتخاب حسابرِس و کیفیت حسابرِسی، نیازمند کنترل سایر عوامل موثر بر این رابطه است، در این تحقیق، بر مبنای مطالعه‌ی میرز و همکاران (۲۰۰۳)، از سه متغیر کنترل اندازه، عمر و جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت استفاده شده است. اندازه‌ی شرکت، برابر با لگاریتم جمع ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال مالی است، عمر شرکت، برابر با تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده است، و جریان‌های نقدی عملیاتی، برابر با جریان خالص وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی است که از صورت جریان‌های نقدی استخراج و برای سهولت کار، این عدد به جمع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

۶. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این قسمت، داده‌های مربوط به ۷۲ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ بررسی شده است. با تلفیق داده‌ها، تعداد کل مشاهدات ($N \times T$) ۵۰۴ مشاهده بوده است. نگاهی

شماره (۱) آماره‌های توصیفی، متغیرهای مورد استفاده در مدل تلفیقی را نشان می‌دهد.

نگاره ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق طی دوره‌ی ۱۳۸۲-۱۳۸۸

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	تعداد مشاهدات
اقلام تعهدی جاری	۰/۱۰۱	۰/۰۹۷	۰/۰۷۳	۱/۲۱۴	-۰/۱۵۳	۵۰۴
اقلام تعهدی اختیاری	۰/۰۴۱	۰/۰۲۲	۰/۱۳۰	۰/۵۹۸	-۰/۳۲۹	۵۰۴
تداوم انتخاب حسابرس	۴/۶۴۱	۴/۰۰۰	۳/۲۹۶	۱۳/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵۰۴
اندازه‌ی شرکت	۵/۳۰۳	۵/۲۵۸	۰/۶۰۲	۷/۳۷۲	۳/۸۶۴	۵۰۴
عمر شرکت	۱۵/۵۱۴	۱۳/۰۰۰	۱۰/۱۴۲	۴۳/۰۰۰	۱/۰۰۰	۵۰۴
جریان نقدی عملیاتی	۰/۱۳۳	۰/۱۲۱	۰/۱۳۲	۰/۶۳۰	-۰/۲۷۶	۵۰۴

همان‌طور که در نگاره‌ی شماره (۱) ملاحظه می‌شود میانگین و انحراف معیار متغیر اقلام تعهدی جاری به ترتیب ۰/۱۰۱ و ۰/۰۷۳ است. همچنین، میانگین و انحراف معیار متغیر اقلام تعهدی اختیاری به ترتیب ۰/۰۴۱ و ۰/۱۳ است. از سوی دیگر، میانگین متغیر تداوم انتخاب حسابرس برابر با ۴/۶۴۱ است و این موضوع نشان دهنده‌ی این است که همکاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با موسسه‌های حسابرسی غیر از سازمان حسابرسی، یک همکاری به نسبت بلند مدت است.

در استفاده از داده‌های ترکیبی، از مدل‌های مختلفی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود. این مدل‌ها، شامل روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت، مدل اثر تصادفی و مدل داده‌های تلفیقی است که برای استفاده از هر یک، آزمون‌های مختلفی مانند آزمون چاو و آزمون هاسمن وجود دارد. برای برآورد الگوهای نام‌برده، طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۸ در

چارچوب داده‌های ترکیبی، ابتدا از آزمون چاو مقید استفاده شده است.

نگاره ۲: نتایج آزمون چاو (F مقید)

<i>p-value</i>	آماره‌ی <i>F</i>	
۰/۲۵	۱/۲۶۱۹۹۶	آزمون چاو برای بررسی مدل اقلام تعهدی جاری
۰/۱۳	۱/۵۹۷۸۹۷	آزمون چاو برای بررسی مدل اقلام تعهدی اختیاری

همان‌طور که در نگاره‌ی شماره ۲ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون چاو، فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را به طور قوی تایید کرده است؛ از این رو، از روش تخمین داده‌های تلفیقی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود. طبق این روش، تمامی داده‌ها با یکدیگر ترکیب شده و به وسیله‌ی رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین زده می‌شود.

پس از تعیین روش مناسب برای برآورد پارامترهای مدل و آزمون فرضیه‌ها، نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق برای دوره‌ی هفت ساله‌ی تحقیق به روش داده‌های تلفیقی در نگاره‌ی شماره (۳) نشان داده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون فرضیه‌ی تحقیق

نتیجه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	متغیرهای کنترل			تحلیل واریانس	توان تبیین	استقلال خطاها
	معیارهای کیفیت حسابداری	تداوم انتخاب حسابرس	SCFO	Age	Size	آماره F (معناداری مدل)	R ² تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
			ضریب (معناداری)	ضریب (معناداری)	ضریب (معناداری)			
رد	۰/۰۰۱۲	۱/۵۹۴ ۰/۱۱۲	-۰/۳۵۶ ۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲ ۰/۰۰۰	۰/۰۲۵ ۰/۰۰۰	۶۶/۷۸ ۰/۰۰۰۰	۰/۴۳۲۸	۱/۹۲۹۱
رد	۰/۰۰۰۵	۰/۲۱۳ ۰/۸۳۱	-۰/۸۹۶ ۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲ ۰/۰۱۶	۰/۱۳۸ ۰/۰۰۰	۷۰/۹۳ ۰/۰۰۰۰	۰/۴۴۷۹	۲/۰۰۳۶

با توجه به داده‌های نگاره‌ی شماره (۳) مشاهده می‌شود، در مدل اقلام تعهدی جاری آماره‌ی F برابر با ۶۶/۷۸ است؛ از این رو، با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که فرضیه‌ی صفر بودن تمامی ضرایب رد می‌شود. بنابراین، مدل رد نمی‌شود. هم‌چنین، در مدل اقلام تعهدی اختیاری، آماره‌ی F برابر با ۷۰/۹۳ است. از این رو، با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که فرضیه‌ی صفر بودن تمامی ضرایب رد می‌شود؛ بنابراین، مدل رد نمی‌شود. ضرایب تبیین به دست آمده نشان می‌دهد که در مدل اقلام تعهدی جاری، متغیرهای مدل ۴۳ درصد متغیر وابسته و در مدل اقلام تعهدی اختیاری، متغیرهای مدل ۴۵ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. با توجه به نزدیک بودن آماره‌ی دوربین - واتسون به عدد ۲، خود همبستگی جمله اخلاص در هر دو مدل رد می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در دو حالت استفاده از اقلام تعهدی جاری و اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار کیفیت حسابداری، آماره‌ی t متغیر تداوم انتخاب حسابرس در سطح خطای ۵ درصد، معنی دار نیست. نتایج تحقیق با استفاده از روش داده‌های تلفیقی نشان می‌دهد که فرضیه‌های تحقیق رد می‌شود.

در مورد متغیرهای کنترل، نتایج آزمون فرضیه‌ی تحقیق نشان داد که عمر شرکت (سال‌های عضویت در بورس) و جریان‌های نقدی عملیاتی با ارقام تعهدی (جاری و اختیاری) رابطه‌ی معکوس و با کیفیت حسابرسان، رابطه‌ی مستقیم دارند. اندازه‌ی شرکت (لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت)، با ارقام تعهدی (جاری و اختیاری) رابطه‌ی مستقیم و با کیفیت حسابرسان، رابطه‌ی معکوس دارد.

پس از آن که برای اندازه‌گیری عمر شرکت، از تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرش شده و برای اندازه‌گیری متغیر اندازه‌ی شرکت، از لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت در پایان سال مالی استفاده شد و مدل‌های مورد بررسی، با استفاده از این تعاریف بررسی شد، در این بخش، با تغییر شیوه‌ی اندازه‌گیری این دو متغیر، از تعداد سال‌هایی که از تاسیس شرکت می‌گذرد، برای عمر شرکت و لگاریتم جمع درآمدهای شرکت در طول سال مالی برای اندازه‌ی شرکت، استفاده می‌شود و بر اساس آن نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق در نگاره‌ی شماره (۴) ارائه شده است.

با توجه به داده‌های نگاره‌ی شماره (۴) مشاهده می‌شود، در مدل ارقام تعهدی جاری آماره‌ی F برابر با $۵۸/۴۴$ است. از این رو، با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که فرضیه‌ی صفر بودن تمامی ضرایب رد می‌شود؛ بنابراین، مدل رد نمی‌شود. در مدل ارقام تعهدی اختیاری، آماره‌ی F برابر با $۸۷/۵۲$ است. بنابراین، در این مورد با ضریب اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که فرضیه‌ی صفر بودن تمامی ضرایب، رد می‌شود. بنابراین، مدل رد نمی‌شود. ضرایب تبیین به دست آمده، نشان می‌دهد که در مدل ارقام تعهدی جاری، متغیرهای مدل ۳۹ درصد متغیر وابسته و در مدل ارقام تعهدی اختیاری، متغیرهای مدل ۵۰ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. با توجه به نزدیک بودن آماره‌ی دوربین - واتسون به عدد ۲، خود همبستگی جمله اخلاص در هر دو مدل رد می‌شود.

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه‌ی تحقیق با استفاده از معیار متفاوت برای اندازه و عمر شرکت

نتیجه	متغیر وابسته	متغیر مستقل		متغیرهای کنترل			توان تحلیل واریانس		استقلال خطاها
	معیارهای حسابرسی	تداوم انتخاب حسابرس		SCFO	Age	Size	آماره F (معداری ملل)	توان تبیین R ² تعدیل شده	آماره دوربین و اتسون
		فرض	آماره (معداری)	فرض	فرض	فرض (معداری)			
رد	اقلام تعهدی جاری	۰/۰۰۰۱	۰/۱۷۸ ۰/۶۷۴	-۰/۳۵۳ ۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲ ۰/۰۰۰	۰/۰۴۷ ۰/۰۰۰	۵۸/۴۴ ۰/۰۰۰۰	۳۹۹۹ ۰	۱/۹۶۱۳
رد	اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۰۳۳	-۱/۳۷۰ ۰/۱۷۱	-۰/۹۸۵ ۰/۰۰۰	-۰/۰۰۵ ۰/۰۳۶	۰/۵۴۴ ۰/۰۰۰	۸۷/۵۲ ۰/۰۰۰۰	۱۵۰۰۹ ۰	۲/۰۶۹۰

نتایج تجزیه و تحلیل‌های اضافی، افزون بر عدم تایید فرضیه‌های تحقیق، نشان داد که وقتی از لگاریتم جمع درآمدهای شرکت به عنوان معیار اندازه‌ی شرکت استفاده شود، آن‌گاه اندازه‌ی شرکت با اقلام تعهدی (جاری و اختیاری) رابطه‌ی مستقیم دارد. هم‌چنین، این نتایج نشان داد هنگامی که عمر شرکت با توجه به سال تأسیس آن اندازه‌گیری شود، با اقلام تعهدی (جاری و اختیاری)، رابطه‌ی معکوس و با کیفیت حسابرسی، رابطه‌ی مستقیم دارد.

۷. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق در سطح خطای ۵ درصد به روش تلفیق کل داده‌ها، بیانگر عدم تایید فرضیه‌های تحقیق است؛ بنابراین، تداوم انتخاب حسابرس، تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارد. نتایج یافته‌های مربوط به فرضیه‌های تحقیق، با نتایج تحقیق‌های چن و همکاران (۲۰۰۴)، ناگی (۲۰۰۵) و جکسون و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد. این نتایج، با نتایج تحقیق‌های جیجر و راگاناندان (۲۰۰۲)، میرز و همکاران (۲۰۰۳) و گونی و

همکاران (۲۰۰۷) همخوانی ندارد.

همان‌طور که گفته شد، دی آنجلو (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را متشکل از دو جزء صلاحیت حرفه‌ای و استقلال حسابرس می‌داند و یادآور می‌شود که تداوم انتخاب حسابرس می‌تواند بر هر یک از این اجزا تاثیر بگذارد. در سال‌های ابتدایی رابطه‌ی حسابرس - صاحبکار عدم آشنایی دقیق حسابرس با شرکت مورد رسیدگی، با اثرگذاری بر صلاحیت حرفه‌ای وی می‌تواند باعث کاهش کیفیت حسابرسی شود. از سوی دیگر، طولانی‌تر شدن رابطه‌ی حسابرس - صاحبکار، باعث نزدیکی وی به مدیریت صاحبکار شده که این امر ممکن است استقلال حسابرس را با خطر مواجه ساخته و باعث کاهش کیفیت حسابرسی شود. تفاوت در نتایج تحقیق‌های ذکر شده در پیشینه‌ی تحقیق، نشان دهنده‌ی این است که از نظر تجربی، افزایش یا کاهش کیفیت حسابرسی، بر اثر تداوم انتخاب حسابرس هنوز تایید نشده است. بنابراین، اگر گفته شود که این دو متغیر بر یکدیگر اثر خنثی کننده دارند، بهترین گزینه انتخاب شده باشد؛ زیرا، آثار مثبت و منفی رابطه‌ی بلندمدت حسابرس و صاحبکار می‌توانند باعث خنثی شدن اثر یکدیگر شوند. البته باید در نظر داشت که عواملی مانند ریسک دعاوی حقوقی و محافظت از حسن شهرت، ممکن است باعث بی‌طرفی حسابرس در هنگام حسابرسی شود.

در مورد متغیرهای کنترل، زمانی که اقلام تعهدی جاری و اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار کیفیت حسابرسی استفاده شد، نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که عمر شرکت (سال‌های عضویت در بورس) و جریان‌های نقدی عملیاتی با کیفیت حسابرسی، رابطه‌ی مستقیم دارند. اندازه‌ی شرکت (لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت) با کیفیت حسابرسی، رابطه‌ی معکوس دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل‌های اضافی، نشان داد زمانی که از لگاریتم جمع درآمدهای شرکت به عنوان معیار اندازه‌ی شرکت استفاده شود، اندازه‌ی شرکت هم‌چنان با کیفیت حسابرسی، رابطه‌ی معکوس دارد. هم‌چنین این نتایج نشان داد هنگامی که عمر شرکت، با توجه به سال تأسیس آن اندازه‌گیری شود، عمر شرکت، هم‌چنان با کیفیت حسابرسی، رابطه‌ی مستقیم دارند.

۸. پیشنهادهای تحقیق

۸-۱. پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، تداوم انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه‌ی معنی‌داری با کیفیت حسابرسی ندارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

- دولت و سازمان حسابداری، هنگام تدوین مقررات و استانداردهایی برای افزایش کیفیت حسابرسی باید توجه کنند که با توجه به هزینه‌های بالایی که تعویض حسابرس بر شرکت‌ها تحمیل می‌کند، شاید کنترل و محدودیت تداوم انتخاب حسابرس راه مناسبی برای افزایش کیفیت حسابرسی نباشد.
- اگر چه در این تحقیق، تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأیید نشد، اما با توجه به مبانی نظری مطرح، سرمایه‌گذاران هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، به اطلاعات مربوط به تغییر حسابرس توسط شرکت‌ها توجه کنند، زیرا تغییر حسابرس توسط شرکت‌ها، ممکن است حاوی پیام‌هایی برای سرمایه‌گذاران، مبنی بر تمایل شرکت‌ها برای تحریف گزارش‌های مالی خود، با استفاده از عدم آشنایی دقیق حسابرس تازه منصوب شده با شرکت صاحب‌کار باشد.

۸-۲. پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آینده

- بررسی تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی، با استفاده از روش تعدیل شده‌ی جونز و روش‌های مطرح دیگر، برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار کیفیت حسابرسی.
- بررسی تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت حسابرسی، با استفاده از معیارهای دیگری برای کیفیت حسابرسی، مانند نوع گزارش حسابرسی یا تعداد بندهای گزارش حسابرسی.
- بررسی تأثیر تداوم انتخاب شریک مسئول کار بر کیفیت حسابرسی.
- بررسی تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر محافظه‌کاری حسابداری.

- بررسی تأثیر تداوم انتخاب حسابرس بر استقلال ظاهری حسابرس، با استفاده از روش‌هایی مانند توزیع پرسش‌نامه.

پی‌نوشت:

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| 1. Vanstraelen | 2. Sarbanes-Oxley Act (SOX) |
| 3. Auditor tenure | 4. Lowensohn |
| 5. Cameran | 6. U.S. General Accounting Office (GAO) |
| 7. Mandatory Audit Firm Rotation | 8. Arel |
| 9. Enron | 10. Arthur Andersen |
| 11. Shockley | 12. Arrunada |
| 13. Paz-Ares | 14. Sinnett |
| 15. Li | 16. DeAngelo |
| 17. Wallace | 18. Lee |
| 19. Titman | 20. Trueman |
| 21. Beatty | 22. Statement of Basic Auditing Concepts (SAR 6) |
| 23. American Accounting Association | 24. Auditor Competence |
| 25. Auditor Reputation | 26. Auditor Monitoring Strength |
| 27. perceived Auditor Competence | 28. Independence in Appearance |
| 29. Actual Auditor Competence | 30. Independence in Fact |
| 31. Davis | 32. Revision of the Commission's Auditor Independence Requirements (2001) |
| 33. Mayangsari | 34. Francis |
| 35. Krishnan | 36. Myers |
| 37. Deis | 38. Giroux |
| 39. Louwers | 40. Walker |
| 41. Geiger | 42. Raghunandan |
| 43. Casterella | 44. Johnson |
| 45. Soo | 46. Chung |
| 47. Chen | 48. Nagy |
| 49. Chi | 50. Huang |
| 51. Carey | 52. Simnett |
| 53. Knechel | 54. Gunny |
| 55. Jackson | 56. Mitra |
| 57. Fairchild | 58. http://rdis.ir |
| 59. Panel Data | 60. Time Series |
| 61. Cross Section | 62. Fixed Effect Model |

63. Random Effect MODEL
65. Chaw Test
64. Pooled Data
66. Hausman Test

منابع

الف. فارسی

- بزرگ اصل، موسی؛ شایسته مند، حمیدرضا (۱۳۹۰). رابطه بین مدت تصدی حسابرس و مدیریت سود. فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران. ۴(۱۳): ۲۱۳-۲۳۳.
- حساس یگانه، یحیی؛ آذین فر، کاوه (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت و اندازه موسسه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۱۷(۶۱): ۸۵-۹۸.
- کریمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران. ۲(۷): ۵۵-۸۰.
- کریمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه؛ محمدی، امیر (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. دانش حسابداری. ۲(۴): ۶۵-۸۲.

ب. انگلیسی

- American Accounting Association. (1973). *Studies in Accounting Research #6: A Statement of Basic Auditing Concepts*. Sarasota: American Accounting Association.
- Arrunada, B., & Paz-Ares, C. (1997). Mandatory rotation of company auditors: A critical examination. *International Review of Law and Economics*, 17(1), 31-61.
- Arel, B., Brody, R.G., & Pany, K. (2005). Audit firm rotation and audit quality. *The CPA Journal*, 75(1), 36-39.
- Beatty, R. P. (1989). Auditor reputation and the pricing of initial public offerings. *The Accounting Review*, 64(4), 693-709.
- Cameran, M., Di Vincenzo, D., & Merlotti, E. (2005). The audit firm rotation rule: A review of the literature, SDA Bocconi Research Paper.
- Cameran, M., Prencipe A., & Trombetta M. (2008). Earnings management, audit tenure and auditor changes: does mandatory

- auditor rotation improve audit quality?. Working Paper, University Bocconi.
- Carey, P., & Simnett, R. (2006). Audit partner tenure and audit quality. *The Accounting Review*, 81(3), 653-676.
- Casterella, J., Knechel, W.R., & Walker, P.L. (2002). The relationship of audit failures and auditor tenure. Working paper, University of Florida.
- Chen, C. Y., Lin, C. J., & Lin, Y. C. (2004). Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals; does long auditor tenure impair earning quality?. Working paper, Hong Kong University of Science and Technology.
- Chi, W., & Huang, H. (2005). Discretionary accruals, audit firm tenure and audit-partner tenure: Empirical evidence from Taiwan. *Journal of Contemporary Accounting and Economic*, 1 (1), 65-92.
- Chung, H. (2004). Selective mandatory auditor rotation and audit quality: An empirical investigation of auditor designation policy in Korea. Ph.D. Thesis. Purdue University. West Lafayette, IN.
- Davis, L. R., & Soo, B. (2002). Auditor tenure, auditor independence and earnings management. Working Paper, Boston College, Boston, MA.
- Davis, L. R., Soo, B., & Trompeter, G. (2009). Auditor tenure and the ability to meet or beat earnings forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26(2), 517-548.
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(1), 113-127.
- Deis, D. R. J., & Giroux, G. A. (1992). Determinants of audit quality in the public sector. *The Accounting Review*, 67(3), 462-479.
- Fairchild, R. J., Crawford, I. & Saqlain, H. (2009). Auditor Tenure, Managerial Fraud, and Report Qualification: Theory and Evidence. <http://ssrn.com/abstract=1420703>.
- Francis, J. R., & Krishnan, J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16 (Spring), 135-165.
- Geiger, M. A., & Raghunandan, K. (2002). Auditor tenure and audit

- reporting failures. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 21(1), 67-78.
- Gunny, K., Krishnan, G.V., & Zhang, T. C. (2007). Is Audit Quality Associated with Auditor Tenure, Industry Expertise, and Fees? Evidence from PCAOB Opinions. <http://ssrn.com/abstract=1015089>.
- Jackson, A. B., Moldrich, M., & Roebuck, P. (2008). Mandatory audit firm rotation and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 23(5), 420-437.
- Johnson V. E., Khurana I. K., & Reynolds J. K. (2002). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19(4), 637-660.
- Knechel, W. R., & Vanstraelen, A. (2007). The relationship between auditor tenure and audit quality implied by going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 26(1), 113-131.
- Lee, C. J., Liu, C., & Wang, T. (1999). The 150-hour rule. *Journal of Accounting and Economics*, 27(2), 203- 228.
- Li, D. (2007). Auditor tenure and accounting conservatism, [http://smartech.gatech.edu/bitstream/1853/16155/1/Li dan_200708 PHD.pdf](http://smartech.gatech.edu/bitstream/1853/16155/1/Li_dan_200708_PHD.pdf)
- Louwers, T. J. (1998). The relation between going-concern opinions and auditors' loss function. *Journal of Accounting Research*, 36, 143-156.
- Lowensohn, S. H., Reck, J., Casterella, J. R., & Lewis, B. (2007). An Empirical Investigation of Auditor Rotation Requirements. <http://ssrn.com/abstract=1021789>
- Mayangsari, S. (2007). The Auditor Tenure and the Quality of Earnings: Is Mandatory Auditor Rotation Useful? Working Paper, Universitas Trisakti.
- Mitra, S., Deis, D. R., & Hossain, M. (2009). Pre and post sox association between audit firm tenure and earnings management risk. *Journal of Forensic and Investigative Accounting*, 1(1), On-line publication.
- Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the

- auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78(3), 779-799.
- Nagy, A. L. (2005). Mandatory audit firm turnover, financial reporting quality, and client bargaining power: the case of Arthur Andersen. *Accounting Horizons*, 19(2), 51-68.
- Securities and Exchange Commission. (2001). Revision of the Commission's Auditor Independence Requirements (33-7919). Washington D.C.: SEC.
- Shockley, R.A. (1982). Perceptions of auditor independence: A conceptual model. *Journal of Accounting, Auditing, and Finance*, 5(2), 126-143.
- Sinnett, W. (2004). Are there good reasons for auditor rotation? *Financial Executive*, 20(7), 29-32.
- Titman, S., & Trueman, B. (1986). Information quality and the valuation of new issues. *Journal of Accounting and Economics*, 8(2), 159-172.
- U.S. Congress. (2002). The Sarbanes-Oxley Act of 2002. 107th Congress of the United States of America. H.R. 3763. Washington, D.C.: Government Printing Office.
- U.S. General Accounting Office (GAO). (2003). Public Accounting Firms: Required Study on the Potential Effects of Mandatory Audit Firm Rotation, Washington, D.C.: Government printing office.
- Vanstraelen, A. (2000). Impact of renewable long-term audit mandates on audit quality. *The European Accounting Review*, 9 (3), 419-443.
- Walker, P. L., Lewis, B. L., & Casterella, J. R. (2001). Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence. *Accounting Enquiries*, 10(2), 209-242.
- Wallace, W.A. (1980). The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets. Touche Ross & Co. Aid to Education Program.